



جلوه گاه عشق

غم دیده‌شان حکایت از شوق وصال می‌دهد و نجوای فراق
خوشا به حالشان
در این جا به هر چشمی که می‌نگری نمناک است و بارانی
چشم‌ها را به امانت عشق به درگاه ایمان حضرت دخیل بسته‌اند تا او
را دریابند
این جا مردم از ورطه طوفان بلاها و حوادث به پناه آمده‌اند و حدیث
بهار آمدن مولا را زمزمه می‌کنند
هنگامی که به سرزمین رازها

□ از دور نوری چشمان خسته‌مان را نوازش می‌دهد
نوری به رنگ آبی آسمان‌ها
از دور که نگاهمان به گنبد فیروزه‌ای می‌افتد،
آتش شوق، اما سرشار از شرم در وجودمان شعله‌ور می‌شود
دلت می‌خواهد، همانجا بایستی و عقده دل باز کنی
از دنیا و زخارف چشم آسایش بدت می‌آید
اما، آسوده آسوده به سوی کوی دوست می‌رویم
با کوله‌باری از اندوه، ندامت، گناه
زار و پریشان، اما آهسته و شرمگین قدم برمی‌داریم
و به مکانی راه می‌یابی که یکی از زیباترین محفل‌های روحانی
زمینیان و آسمانیان است
آری، این جا مسجد مقدس جمکران است
ماوایی دور از درد و رنج
دیباچه‌ای از راز عشق

□ این جا هر شب چهارشنبه بزم هزاران الفت دیرینه است
شب‌های چهارشنبه و جمعه هر هفته، بشارت دهنده فرداهای
خرسندی است
منزل امید و پایگاه عشق
اینجا دریایی از عاشقی است که هر دلی می‌تواند در آن اوج بگیرد
زمانی که به مسجد مقدس جمکران قدم می‌گذاری، کاروان‌های
بی‌شماری را می‌یابی که به این مکان مقدس آمده‌اند؛
و نوای فراق سر می‌دهند و گمشده خود را می‌جویند
مردان و زنان اشک‌آلوده
پیران قد خمیده و جوان‌های رعنائی را می‌بینی
که عاشقانه در این جا به رسم ادب نشسته‌اند و با مراد خود درد دل
می‌کنند
یکی زیارت می‌خواند
دیگری نماز
عده‌ای دعا می‌خوانند و
گروهی روضه مادر پهلوشکسته مولا را
به هر جا که می‌نگری
دل‌های خسته‌ای را می‌یابی که به حضرت پناه آورده‌اند

□ آری!

اینجا ماوای دل‌های غم‌دیده و غم‌زده‌ای است که دیده‌های

ملوه گاه عشق جلوه گاه عاشق

و مرکز امدادها و اعجازها قدم می‌گذاری، صدای آشنای پای بهار را
بر روی دل برگ‌ریز و خزان دیده می‌شنوی.
به وعده گاه مشتاقان و عاشقان ظهور که می‌رسی
یتیمی و غریبی شیعه را بیش تر درک می‌کنی
زانوهای غم‌ناک و بغض‌های گشوده‌ایی را می‌یابی که مهبای نوازش
پدرانه مولا به انتظار نشسته‌اند
این‌جا، مشت‌ی نیازمند که صبور و پاک زیسته‌اند،

بر کاغذهای دلشان با مرکب فریاد، هجرنامه‌ای نوشته‌اند و از غیبت
طولانی مولای خود لب بر شکوه می‌گشایند
نوجوانان و جوانانی که حدیث غریب دوست داشتن و انتظار آمدن
آقارا به صداقت صدای باران بر سفال‌ها می‌گویند
می‌خواهند، لحظه‌های طلایی ناب عبادت و اطاعت را در قبله عشق
و صفا یعنی مسجد مقدس جمکران از دست ندهند
عده‌ای را می‌بینی که با موی سفید آمده‌اند و از روسیاهی خود
می‌گویند

غرق معصیت و به امید عنایت، نوای «اغزلنا المعاص» سر می‌دهند

□ در این‌جا تمامی دل‌ها به سرود نام بلند و زیبایی حضرت
می‌اندیشند و می‌خواهند لحظه‌ای بیاید که نام مولایشان را از
نزدیک بر زبان جاری کنند.

در مسجد مقدس جمکران منتظران نور وجود مولا را می‌بینی که با
اندک سرمایه‌ای آمده‌اند و روز ظهور را انتظار می‌کشند
برترین عبادت را برگزیده‌اند و انتظار فرج دارند و بر لب نوای «اللهم
عجل لولیک الفرج» سر می‌دهند

در این‌جا مردم دل‌های بیمار خویش را به شفاخانه حضرت دوست
سپرده‌اند و می‌دانند که نگاه مولا آن‌ها را دواست و نوازش آقا
شفاست آنان
آری!

امروزه، انسان‌های بسیاری در ویرانه دنیا به دنبال بنایی آسمانی
می‌گردند تا آن‌جا شرح دل پاک کنند و با مولای خویش راز و نیاز و
مسجد مقدس جمکران را یافته‌اند مکانی که انسان در آن‌جا از همه
ما سوا، سواست

مهمانان مسجد مولا را که می‌بینی می‌یابی که هم زبان و هم دم،
اسم مولا را بر لب دارند و چون رشته شمعی به این‌جا جمع گشته‌اند
و دل سوخته و عاشقانه مولای خویش را می‌خوانند به چهره‌هاشان
که می‌نگری می‌یابی که دل‌هاشان پر از فریاد، ناله و راز و نیاز است
و ظاهرشان خالی از جوش
با زبان آتشین، حکایت غفلت‌ها و خطاهاشان را با مولای خود
می‌گویند

در مسجد مقدس جمکران، خواسته یا ناخواسته از علائق پوچ مادی
و دنیایی فرار می‌کنی، می‌خواهی از غم زمانه برهی و در وادی وصل
حق گام برداری.



□ به داخل مسجد که می‌روی، صداهای درهم نمازگزاران توأم با نغمه‌های ملکوتی قرائت قرآن الحان موزون مؤذن، صدای توسل، التماس و گریه مشام جان را به ذکر و فکر مولا معطر می‌سازد آنجاست که غربت و غریبی را بیشتر می‌یابی سرشار از استجابت می‌شوی و می‌یابی که دست‌های بسیاری نیز لبریز از حاجت‌های دنیایی و مادی نیست، سرشار از عشق است و اخلاص بسیاری را می‌یابی که به مسجد آمده‌اند، نه برای التماس و توبه، بلکه دست‌های سبز دعا را به آسمان بلند کرده‌اند و ظهور مولا را از وسعت بیکرانۀ عشق و با تمامی وجود می‌خواهند و مولا را با غم انگیزترین نغمه‌های تنهایی فریاد می‌زنند.

□ آری، در سرزمینی که جلوه‌گاه عشق و ارادت به ساحت نورانی امام حتی، حضرت ولی‌عصر (عج) بارز و آشکار است پیر و جوان، زن و مرد در پای سجاده‌های نیاز ظهور مولا را می‌خواهند و چشم‌هاشان به هوای رخ زیبای آقا بارانی است.

در مسجد مقدس جمکران مردمان بسیاری سرشار از عشق و هم‌دردی با مولای خود درد دل می‌کنند و با تمامی وجود و عاجزانه از امام خویش می‌خواهند تا خواسته‌هاشان را اجابت کند خواسته‌هایی که نشان از ارادت و عشق به ساحت مقدس ائمه معصومین علیهم‌السلام دارد به این‌جا آمده‌اند و به یاد بیچارگان و بی‌پناهان عالم، مولای خود را می‌خوانند

زمانی که در میان مردم به مسجد مقام قدم می‌گذاری و مردم را نظاره می‌کنی چهره‌هایی را می‌یابی که شادمانی و کامرانی از یادهاشان رفته و با محرم غم‌ها و همدل پریشانی‌هاشان نجوا می‌کنند. مردمانی را می‌بینی که آمده‌اند تا کلبه‌های تاریک دل‌هاشان را به نور ولایت روشن کنند به چشم‌ها که می‌نگری، چشم اندازهای غریب، غربت و یتیمی را می‌بینی و آن زمان به این باور می‌رسی که بدون آقا تنهای تنهایییم.

□ مردم به مسجد مقدس جمکران می‌آیند تا دل‌های غمگین و غبارگرفته خود را با تجدید عهد و پیمان خود با آقا، شستشو دهند. عهد و بیعتی را که بر عهده دارند تجدید کنند و از ولایت روی برنگردانند و ثابت قدم و استوار در عهد و پیمان خود بمانند. از حضرت حق می‌خواهند تا از مدافعان و شتابندگان به ساحت کبریایی و اهورایی مولا باشند و در هر زمانی که باید در قضای حاجت مولا بکوشند و کوشا باشند

در این‌جا، دل‌های آینه‌وار بسیاری از خدا می‌خواهند تا سعادت دیدار چهره درخشندۀ خورشید تابان امامت و ولایت روزی‌شان شود و یک‌دل و یک‌صدا می‌خوانند:

«اللهم ارني الطلعه الرشيدة والغرة الحميدة»

